

مرگ بر خدا ، زنده باد گوساله !

بهرام صالحی

گردآوری : شارمین مهرآذر

Sh.mehrazar@Gamil.com

آیا این گوساله پرستان نمی نگرند که هیچ حرف و اثری و هیچ خیر یا شری از این گوساله به آنها عاید نمیشود (سوره طه ، آیه 89)

استدلال محمد در قرآن برای اینکه ثابت کند گوساله خدا نیست ، این است که به مردم می گوید : آیا از گوساله خیر و شری به شما میرسد ؟

ما پاسخ میدهیم : بله ! از گوساله خیر های بسیار به انسان میرسد ، گوشت ، جگر ، قلب ، کلیه ، چربی ، روده و شیر این جانور برای انسان مصرف خوراکی دارد و برتر از همه هیچ شری هم از این جانور به کسی نمیرسد ، نه دست و پای کسی را می برد ، نه گردن کسی را می زند ، نه کسی را آتش میزند ، نه عذاب میکند و نه قومی را یک شبه هلاک و قتل عام میکند . خدا مدعی است که یکی از مزیت هایش نسبت به گوساله این است که از جانب گوساله شری به انسان نمیرسد در صورتی که از جانب خدا می رسد ! پس نتیجه می گیرد که مردم باید آن چیزی را بپرستند که برایشان مضر است ! تا چه اندازه این چرندیات مضحک است . آخر کدام انسان نادانی باید برود کسی را که به او ضرر میرساند را بپرستد ؟ اگر واقعا اجباری هست که حتما می خواهد چیزی را بپرستد ، چرا همان گوساله را نپرستد که هم بسیار سودمند است و شری هم از جانب او کسی را تهدید نمیکند .

در اینجا یکی از استدلال های قرآن برای وجود اثبات خدا و اینکه چه چیز خدا است چه چیز نیست ، این است که باید مردم عینا " اثری را از وجود خدا با چشم ببینید ، بنا بر این به مردم میگوید ، آیا شما از این گوساله اثری را میبینید ؟ آیا او حرف میزند ؟

اثر که بسیار است ، مهمترین اثر آن حقیقت عینی وجود مادی این حیوان است . اگر قرآن استدلالش را بر پایه رویت عینی استوار میکند ، پس گوساله چنین آثار عینی را از وجود خود دارد که ارائه دهد ، اما خدا ندارد ! قرآن بر طبق استدلال خودش ، خودش وجود خدا را علنا نفی میکند ! تصور اینکه نویسنده قرآن تا چه قدر نادان بوده است ، غیر قابل تصور است ، اینکه مردمی هم این چرندیات را به عنوان حقیقت باور میکنند ، دیگر واقعا قابل تصور نیست ! استدلال دیگر قرآن برای مقایسه خدا با گوساله این است که باید حرف زدن آنها را مردم مشاهده کنند تا باور کنند که خدا کدام است ، به مردم میگوید : مگر این گوساله حرف میزند ؟ که شما آن را خدا می پندارید ؟

آخر مگر مردم حرف زدن خدا را مشاهده کرده اند ؟ کجا مردم صدای خدا را شنیده اند ؟ (اشاره به صوت حقیقی دارد ، نه گفته هایی که توسط واسطه ای به مردم رسیده باشد) اما در مقابل گوساله با اینکه حرف نمیزند اما حداقل صدایی از خودش بیرون میدهد و ماما میکند . بنا بر این حال که استدلال قرآن بر این پایه بود که مردم باید صدای خدا را بشنوند ، پس گوساله برتری حقیقی در این زمینه نسبت به خدا دارد و خدا اینجا هم در برابر گوساله شکست می خورد . شاید هم گوساله واقعا خدا باشد و با ماما کردن خود دارد حرف میزند و انسانها از ترجمه حرفهایش عاجزند !

در نتیجه ما با مراجعه به همان استدلال قرآن ، توانستیم ثابت کنیم که اگر واقعا خدایی وجود دارد ، آن خدا باید گوساله باشد ، که هم خیر میرساند ، خوشبختانه شری ندارد ، موجودیت عینی و حقیقی دارد ، و به زبان خودش حرف هم میزند . بنا بر این ، آن خدای غیبی که محمد مدعی وجودش است ، بنا بر گفته خود محمد و استناد به استدلال های خودش ، وجود چنین خدایی دروغی بیش نیست . حرف اول ما این است که خدایی وجود ندارد و مردم نباید چیزی را بپرستند . حرف دوم ما و توصیه ما به افرادی که حتما اسرار دارند چیزی را بپرستند این است که بجای خدای غیبی و شر و ضرر رسان ، گوساله را بپرستند ، زیرا از این حیوان تا به حال اخباری به دست نرسیده که به انسانها شر و ستمی رسانده باشد ، و همچنین خبری هم نرسیده که گوساله پرستان ، در طول تاریخ تا به حال دست و پای کسی را بریده باشند ، کسی را شلاق زده باشند ، سنگسار کرده و یا گردن کسی را بریده باشند ، همان شرهایی که در قرآن به مسلمین سفارش شده ، و در طول تاریخ 1400 ساله تا به امروز روز جان هزاران هزار انسان بیگناه را قربانی گرفته ، و شیرینی زندگی را برای میلیاردها انسان ، زهر مار کرده است .

مرگ بر این خدای جنایتکار ، زنده باد گوساله !